

بهره، ربا، و ارزیابی دلایل حرمت آن به لحاظ اقتصادی

صدیقه عطرکار روشن^۱

زهرا هاشمی^۲

چکیده

حذف بهره از نظام بانکی و بازارهای مالی در اقتصاد اسلامی گامی موثر در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و رهایی از آثار مخرب بهره است. بسیاری از مطالعات نشان می دهند که بهره نقش گسترده ای در محدود کردن سطح تولید و اشتغال دارد و موجبات توزیع نامطلوب درآمد بین اقشار مختلف جامعه را فراهم می سازد. برخی اقتصاددانان سرمایه داری اظهار می دارند که برای قرار گرفتن اقتصاد بازار در وضعیت بهینه ضروری است نرخ بهره صفر باشد. چنانچه کینز بهره را عامل رکود و ماندگاری آن در یک نظام اقتصادی می داند. با این وجود بهره، از متغیرهای کلیدی و اساسی در نظام سرمایه داری به شمار می رود. این مسئله که پذیرش بهره و وجود بازار پول در نظام سرمایه داری چه اثری بر متغیرهای کلان اقتصاد خواهد داشت موضوع بحث برخی اقتصاددانان است. هدف از این مقاله بررسی موضوع بهره و مقایسه پیامدهای آن از دیدگاه نظام سرمایه داری و اقتصاد اسلامی است. در این مقاله سعی بر آن است که با استفاده از روش تحلیل محتوا به ارزیابی نظریات و دیدگاه های اقتصاددانان سرمایه داری و توجیهات به ظاهر علمی آنها در خصوص بهره پرداخته و با ارائه نظرات اندیشمندان اقتصاد اسلامی به بررسی تاثیرات مضر این پدیده بر اقتصاد، و ضرورت تحریم ربا در اسلام پرداخته شود.

کلمات کلیدی: بهره، ربا، تاثیرات بهره، اقتصاد اسلام، اقتصاد سرمایه داری

طبقه بندی JEL: E43

۱. s.a.roshan@yahoo.co.uk

۱. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا و نویسنده مسئول

۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه الزهرا

مقدمه

توسعه اقتصادی هر جامعه در گرو استفاده بهینه از سرمایه ها می باشد و سرمایه گذاری مناسب در هر جامعه بخش مهمی از وظایف دولت بوده و بخشی از آن نیز سالانه توسط بخش خصوصی صورت می گیرد. معمولاً در هر جامعه ای حداقل دو گروه وجود دارند: گروه اول، کسانی که سرمایه های نقدی در اختیار دارند ولی دانش و توانایی استفاده از آن را ندارند و گروه دوم بنگاه های اقتصادی می باشند که قادرند سرمایه های راكد گروه اول را در جهت توسعه اقتصادی جامعه به کار گیرند. در جوامع مختلف این امر به طور معمول توسط بانکها صورت می گیرد. وجود بهره در نظام بانکداری سرمایه داری از جنبه های مختلفی بر اقتصاد جامعه تأثیرات بدی را بر جای می گذارد که از آن جمله می توان به توزیع نامناسب درآمد، بالا رفتن نرخ تورم، بیکاری، راكد ماندن سرمایه و ... اشاره کرد. در سال های اخیر، از یک سو با گسترش نظام بانکداری بدون ربا و وقوع بحران های مالی و اقتصادی از سوی دیگر، توجه اقتصاددانان به سیستم بانکداری اسلامی بیشتر جلب شده است. یکی از مهمترین مباحث در این ارتباط، فلسفه حرمت ربا است، که در این تحقیق از دیدگاه اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

در این راستا، پس از مقدمه و در بخش اول، به بحث در زمینه ربا و تعاریف آن پرداخته می شود. بخش دوم مقاله به پیشینه تحقیق اختصاص دارد. تبیین پول به عنوان یک کالا، در بخش سوم، و بحث پیرامون اهمیت بهره در اقتصاد سرمایه داری در بخش چهارم مقاله آمده است. در بخش پنجم نظریه های بهره مورد ارزیابی قرار می گیرند. بهره و توجیه آن، به عنوان یک ضرورت اقتصادی در اقتصاد سرمایه داری در بخش ششم بحث شده و در ادامه، تمرکز تحقیق بر تأثیرات منفی نرخ بهره است. نهایتاً در بخش پایانی، خلاصه و جمع بندی تحقیق ارائه می شود.

۱- ربا، چیست؟

ربا را می توان از نظر لغوی افزایش و تورم معنا کرد. و ریشه اصلی آن ((ربو)) است. در اصطلاح اقتصاددانان از واژه ربا^۱ استفاده شده، و نزدیکترین واژه مورد استفاده در اقتصاد کلمه بهره^۲ است. معاملات پولی و غیر پولی که موجب می شوند تا سرمایه خود به خود و بدون انجام کار مفید اقتصادی، افزایش یابد را معاملات ربوی می نامند. درآمدهای ربوی با شرایطی که اسلام تعیین کرده، مخالف اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی اسلام است و افزون بر اینکه مانع رسیدن حق به حق دار می شود، در به وجود آوردن طبقه ای بی ثمر و غیر فعال در جامعه نیز تأثیر فراوان دارد. فرد رباخوار بدون انجام عمل و فعالیت اقتصادی مفید و بدون احتمال هیچگونه ضرر و زیان، از

1. Usury

2. Interest

حاصل کار و دسترنج دیگران بهره مند می شود و جامعه را از رسیدن به اهداف رشد تولیدی و اقتصادی و اشتغال باز می دارد و به اقتصاد جامعه زیان وارد می سازد. از این جهت، ربا ظلم شمرده شده و متناسب با اصول عدالت اقتصادی و اجتماعی اسلام نیست و اسلام آن را قاطعانه حرام می داند و مردم را به تجارت و اعطای صدقات تشویق می کند (ر. ک: بقره: ۲۷۹-۲۷۵؛ مدثر: ۶؛ روم: ۳۹؛ نساء: ۱۶۱-۱۶۰؛ آل عمران: ۱۳۱-۱۳۰).

تحریم بهره را در رابطه با دو نوع قرض می توان مطرح کرد: ۱- قرض مصرفی، ۲- قرض تولیدی. قرض مصرفی فقط برای مصارف و نیازهای ضروری شخص وام گیرنده به کار می رود و هیچ نوع سودی را عاید وام گیرنده نمی کند. قرض تولیدی بیشتر برای فعالیت های اقتصادی به کار می رود و شخص وام گیرنده می تواند از طریق به جریان انداختن این پول سود ببرد. در اسلام هر دو نوع ربا بویژه از بعد عدالت اقتصادی - اجتماعی حرام شناخته شده است. به عبارت دیگر، نوع نخست ربا، هیچگونه تاثیری در مکانیسم تخصیص منابع اقتصادی ندارد و فقط به خاطر برآوردن احتیاجات فرد مستمند و نیازمند است و چنانچه در اینگونه موارد ربا گرفته شود، ظلم است و همان آثاری را دارد که استثمار دارد. لکن در مورد نوع دوم ربا، یعنی ربای تولیدی در مکتب های دیگر در این باره نظریه های مختلفی ارائه شده است. برای نمونه، از نظریه رجحان نقدینگی کینز می توان یاد کرد. او انگیزه ربا را در رابطه با تعیین نرخ پولی بهره مطرح می کند و انگیزه نگهداری پول نقد را تابع انگیزه های تبادلی، احتیاطی و سفته ای می داند که چشم پوشی کردن از این خواسته، مستلزم هزینه ای است که آن را ربا یا بهره می خوانند.

اسلام این نوع ربا را نیز تحت شرایطی که دارد، حرام می داند، و از آنجا که در اقتصاد اسلامی وظیفه جامعه اسلامی است که از طریق اجرای قوانین اقتصادی و اخلاقی، نیازمندی های افراد جامعه را تامین کند و اطمینان حاصل کند که نیازهای اساسی مردم تامین می شود و از طریق برنامه ریزی صحیح اقتصادی، منطبق با رهنمودهای اخلاق اسلامی، تولید و فعالیت های اقتصادی جامعه اسلامی را در راه معیشت زندگی، تنظیم و هدایت و کنترل می کند. از این جهت نرخ بهره که عامل اصلی تشکیل دهنده ربا است، برای صاحبان پول در رساندن پول شان به واحدهای تولیدی در جهت راه اندازی سرمایه گذاری شان نقش موثر و ارزنده ای نخواهد داشت. چون خود دولت اسلامی این سرمایه گذاری ها را تعیین، هدایت، ارشاد و کنترل می کند. بنابراین، بهره به عنوان تنها عامل اثرگذار بر نظام توزیع درآمد و تخصیص منابع اقتصادی نقش حساس خود را از دست می دهد و تنها عامل موثر در محاسبات اقتصادی و تخصیص عادلانه ثروت نخواهد بود.

یکی دیگر از علل تحریم ربا، استثمار و غصب دسترنج و محصول کار وام گیرنده است، یعنی مالکیتی که در اثر رباخواری و ظلم به وجود می آید، مشروع نبوده و باطل است و مالکیت مشروع

هم از طریق به کار اندازی نیروی انسانی و یا مواردی که اسلام تعیین کرده به وجود می آید و نادیده انگاشتن این اصل، مخالف اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی اسلام است.

برخی از محققان نظیر رضوی (۱۳۹۳) اعتقاد دارند، حرام بودن ربا فقط به خاطر عقیم ماندن پول یا مولد نبودن آن نیست. زیرا اسلام ربا را در معاملات پولی و غیر پولی هر دو حرام می داند. وی عقیم بودن پول را نادرست خوانده، اینکه گفته شود هیچگونه استفاده ای از آن نمی توان کرد را اشتباه می داند. و دلیل آن را مالیت داشتن پول می داند. به عقیده وی در این صورت، پول مالیت پیدا نمی کرد و ارزشی هم نداشت. ولی این نکته درست است که نفع پول فقط برای مالک است و غیر مالک نمی تواند از آن نفع ببرد و در صورت قرض دادن، مالکیتی به وجود آید که سود و زیان مال در مسئولیت قرض گیرنده قرار می گیرد و قرض دهنده هیچگونه سودی نمی برد و زبانی هم نمی پردازد (رضوی، ۱۳۹۳).

۲- پیشینه تحقیق

موسویان (۱۳۸۱) در مقاله ای با عنوان "آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره" با مقایسه نظام مشارکت و نظام بهره، بازتاب جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره بر متغیرهایی مانند پس انداز، سرمایه گذاری، تولید، اشتغال، سطح عمومی قیمت ها، توزیع درآمدها و رفاه عمومی را تجزیه و تحلیل و مزایای جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره را بیان و سپس نتیجه گیری می کند که با حذف بهره و جایگزینی مشارکت، نه تنها مشکل اساسی در اقتصاد رخ نمی دهد، بلکه همه متغیرهای اساسی وضعیت بهتری خواهند داشت.

کلباسی و بخشی (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان "دستاوردهای علمی درباره نرخ بهره و تحلیل تاثیر نرخ بهره بر تورم و وضعیت اقتصاد ایران" به بررسی جایگاه نرخ بهره در شرع مقدس اسلام پرداخته و سپس عمده ترین نظریات علمی درباره تاثیرات نرخ بهره را به طور خلاصه شرح می دهد.

خواجه احمدی و سراج زاده (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان "نگاهی به مفهوم بهره" ابتدا به بررسی مبانی فکری و تاریخی که منجر به پیدایش بهره شد و سپس به آثار و نتایج بهره به عنوان نتیجه قهری نظام بازار و نقد بهره و مبانی فکری آن با توجه به آموزه های اسلامی، پرداخته اند.

بخشی دستجردی (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان "بررسی تطبیقی نظریه نرخ بهره صفر با نظریه تحریم ربا در اسلام" با تبیین رویکرد تاریخی سیر زمانی تحول نظریه های بهره در نظام سرمایه داری تا رسیدن به نظریه های نرخ بهره صفر و با روش توصیفی و تحلیل محتوا به دنبال بررسی این است که نظریه های نرخ بهره صفر در نظام اقتصاد سرمایه داری با نظریه تحریم ربا در نظام

اقتصادی اسلام متفاوت هستند و مفهوم مورد تاکید در نظریه تحریم ربا، از این نظریه ها انتزاع نمی شود.

مهربانی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان "حذف بهره سپرده و پیامد آن برای هزینه رفاهی تورم: یک رویکرد نظری" با بیان اینکه طراحی یک اقتصاد یا نظام بانکداری بدون بهره، موضوع تحقیق و مطالعه اقتصاددانان مختلف اغلب مسلمان بوده است، به بررسی پیامد حذف بهره اسمی سپرده از نظام بانکداری در رابطه با هزینه رفاهی تورم می پردازد و با استفاده از چارچوب نئوکلاسیک و الگوی اقتصاد خرد مبتنی بر فروض معین و بهینه یابی پویا و سپس تحلیل مقایسه ای نشان می دهد که هزینه رفاهی تورم قابل تعریف براساس صرفاً بهره سپرده است و از این رو بانکداری بدون بهره باعث حذف عامل هزینه رفاهی تورم در اقتصاد می شود.

واعظ برزانی و ایزد خواستی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان "تحلیل نقش بهره پولی در بحران های اقتصادی نظام سرمایه داری: رویکرد اسلامی" با بیان اینکه بحران های اقتصادی یکی از پدیده های رایج اقتصاد سرمایه داری است، به صورت تحلیل نظری با رویکرد اسلامی به بررسی نقش نرخ بهره پولی در بحران های اقتصادی نظام سرمایه داری پرداختند. نتایج بیانگر این است که نرخ بهره پولی، نقش مهمی در محدود کردن سطح اشتغال و تولید دارد و باعث تورم و نا اطمینانی در اقتصاد می شود و همچنین مانع تخصیص بهینه منابع و رسیدن اقتصاد به وضعیت تعادل پایدار می شود. موسویان و میسمی (۱۳۹۳)، در بخشی از کتاب خود با عنوان "بانکداری اسلامی، مبانی نظری-تجارب عملی" ضمن بررسی ماهیت ربا در فقه اسلامی و بهره در اقتصاد متعارف و تبیین نسبت آن ها با یکدیگر، به ارزیابی و نقد توجیهاتی که توسط برخی برای مشروع جلوه دادن بهره بانکی ارائه شده، پرداختند. نتایج بیانگر این است که بهره بانکی یکی از انواع ربای محرم در اسلام بوده و لذا امکان استفاده از بانکداری متعارف در چارچوب اسلامی وجود ندارد.

۳- پول چگونه کالایی است؟

در این ارتباط، اقتصاددانان مسلمان نظرات مختلفی را ارائه کرده اند. برخی اقتصاددانان نظیر دکتر توتونچیان عنوان می کنند که پولی که در ذهن اقتصاددانان غربی است و نسبت به آن تحلیل هایی را انجام داده اند یک کالای خصوصی است. به عقیده وی، اولاً، وجود بازار پولی به موازات بازار کالا و نرخ بهره به موازات نرخ کالا (سطح عمومی قیمت ها)، ثانیاً، تجویز و قبول سفته بازی با پول به موازات تجویز سفته بازی با کالاها می تواند دلیل یا دلائل موجهی بر این مدعا بوده، تا پول یک کالای خصوصی پنداشته شود. به این دو دلیل در جامعه سرمایه داری، پول از مسیر اصلی تولید خارج شده و سرعت گردش آن نزدیک به صفر می شود. مکتب اقتصاد سرمایه داری به این دو دلیل سعی کرده پول را مصنوعاً از جرگه کالاهای عمومی (غیر محض) درآورده و به زمره کالاهای

خصوصی اضافه کند و الا در بقیه موارد پول جامعه سرمایه داری با پول جامعه اسلامی تفاوتی ندارد (توتونچیان، ۱۳۷۹).

برخی از محققان اقتصاد اسلامی، نظرات دکتر توتونچیان را در این زمینه که "با حذف بهره از اقتصاد، بازار پول به طور طبیعی و واضح حذف خواهد شد و اینکه، به دلیل آنکه در نظام مالی اسلامی بازار پول از اساس وجود ندارد، لذا هزینه فرصت سرمایه نیز اساساً وجود نخواهد داشت" (توتونچیان، ۱۳۷۹) را به چالش کشیده و چنین بحث می کنند که تفاوت بازار پول و سرمایه در افق زمانی و میزان ریسک موجود در آنهاست. بازار پول بازار تامین مالی کوتاه مدت با ریسک پایین و بازار سرمایه بازار تامین مالی بلندمدت با ریسک مالی بالاتر است. از طرفی با توجه به اینکه در نظام مالی اسلام، هم عقود مبادله ای با ریسک کم وجود دارند و هم عقود مشارکت (که ماهیتاً بلندمدت بوده و دارای ریسک هستند)، می توان مدعی بود که هم بازار پول اسلامی قابل شکل گیری است و هم بازار سرمایه اسلامی. البته مسلم است که بازار پول اسلامی در ارتباط کامل با بخش واقعی اقتصاد قرار دارد و این، تفاوت اصلی آن را با بازارهای متعارف تشکیل می دهد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳).

در نظام سرمایه داری با جدایی بازار پول از سرمایه، نرخ بهره از متغیرهای مهم برای تعادل بازار پول و سرمایه است. در این روش سرمایه گذار باید در مقابل پذیرش هزینه معلوم نرخ بهره با یک درآمد انتظاری نامعلوم، برای سرمایه گذاری تصمیم بگیرد. از این رو سرمایه گذاری در این نظام همرا با ریسک پذیری و دور تجاری است. در حالی که در نظام پولی اسلامی با عدم جدایی پذیری بازار پول و سرمایه چون نرخ سود تابعی از درآمد آتی و سود است، می تواند فاقد ریسک و دور تجاری باشد (پورفرج، ۱۳۸۵).

۴- بهره و اهمیت آن در نظام سرمایه داری

بهره پدیده ای است اقتصادی که از دوران قبل از میلاد مسیح در زندگی اقتصادی بشر وجود داشته و عقاید فلسفی و مذهبی متعددی در ذم آن مطرح شده که از جمله آنها می توان به نظر ارسطو، نظریه ادیان مسیحیت، یهودیت و بویژه اسلام اشاره کرد. واژه بهره در فرهنگ لغات آکسفورد بدین صورت تعریف می شود: "پولی که به صورت منظم و با نرخ مشخص بر روی وامی که قرض داده شده است، پرداخت شده یا اینکه به دلیل به تاخیر انداختن بازپرداخت دین پرداخت می گردد" و واژه «یوژری» را بدین صورت تعریف می نماید: "عمل پرداخت پول و دریافت اصل آن همراه با نرخ های بهره به شدت بالا". بنابراین به نظر می رسد در حال حاضر در جهان غرب، منظور از واژه یوژوری در بین عموم مردم، نرخ های بهره ای هستند که بیش از حد متعارف وضع می شوند. خود بهره نیز مازاد متعادلی می باشد که کسی که پول به دیگری قرض می دهد، مستحق دریافت آن

می گردد یا آنکه به دلیل تعویق افتادن بازپراخت بر روی وام وضع می شود (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳).

اقتصاددانان کلاسیک، بهره را پدیده ای چنان واقعی در نظر می گرفتند که بدون آن اصلاً زندگی اقتصادی بشر نمی تواند استمرار یابد و در این خصوص سرمشقی ارائه کردند که بیشتر اقتصاددانان پیرو آنها یعنی نئوکلاسیک ها و حتی اقتصاددانان جدید موسوم به پولیون و نیز نئوکلاسیک های جدید، بدون بحث و گفتگوی زیادی آن را پذیرفتند و مبنای نظرات اقتصادی خود قرار دادند. به عقیده کینز "سرمایه گذاری نشانگر تقاضا برای منابع قابل سرمایه گذاری و پس انداز نشانگر عرضه آن است، در حالی که نرخ بهره قیمت منابع قابل سرمایه گذاری است که بین عرضه و تقاضا تعادل ایجاد می کند".

کینز در کتاب "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" نظریه ای را که حتی خود او در کتب قبلی اش به نحوی از آن پیروی می کرد را رد می کند و بهره را پدیده ای کاملاً پولی می داند: "تعریف خالص بهره به وضوح به ما می گوید که نرخ بهره پاداشی است برای جدا شدن از نقدینگی برای دوره زمانی مشخص". براساس این تعریف بهره ماهیتی وابسته به ماهیت پول دارد و وجود آن براساس ترجیح واحدهای اقتصادی برای نگاهداری پس انداز خود به صورت نقدینگی قابل توجیه است.

در نظام سرمایه داری برای صاحب سرمایه نیز تحصیل درآمد خالص دائم به نام بهره امکان پذیر است. مشخصه این درآمد خالص این است که وجودش مرهون عدم فعالیت شخصی سرمایه دار است، و حتی اگر صاحب سرمایه انگشتش را هم حرکت ندهد، این درآمد به سمت او جریان می یابد. در نتیجه به نظر می رسد این درآمد، در یک حالت خاص از سرمایه به بیرون تراوش می کند، یا با استفاده از استعاره خیلی قدیمی: بهره از سرمایه متولد می شود. بهره از هر سرمایه ای ممکن است به دست آید و تفاوت نمی کند سرمایه از چه نوع کالایی تشکیل شده باشد. از کالای عقیم و یا از کالایی که به طور طبیعی ثمردهی دارد. از کالاهای فاسد شدنی و یا کالاهای بادوام، از کالاهای قابل جایگزین یا غیر قابل جایگزین، از پول یا کالا و سرانجام درآمد بهره بدون هیچ نوع استهلاکی و در نتیجه بدون هیچ محدودیت زمانی به سوی سرمایه دار جریان دارد.

به عبارت دیگر، اندیشمندان اقتصادی خاستگاه بهره را سرمایه می دانند. و سرمایه را دارای این قابلیت می دانند که خود منشأ بهره شود. به طور کلی پدیده بهره، تصویری از یک چیز بی جان (سرمایه) است که کالاهای پایدار و بی پایان را عرضه می کند. و این پدیده قابل توجه، در زندگی اقتصادی همراه با نظم کاملی ظهور پیدا می کند که درست همه پنداشت ها از سرمایه مبتنی بر آن بوده اند (رجائی، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر، برخی از محققان مسلمان، در مواجهه با پدیده بهره در اقتصاد سرمایه داری و حرمت ربا در اسلام، تمامی ریشه ها و دلایلی را که برای وجود بهره در نظام اقتصادی مطرح شده است را غیرعقلی شمردند. در این رابطه، بخشی (۱۳۸۳)، بخشی و دلایلی (۱۳۸۳) و بخشی (۱۳۸۶) ضمن بررسی ریشه های مطرح شده برای وجود بهره مانند مطلوبیت نهایی نزولی، ترجیح زمانی و مولدیت کالاهای سرمایه ای، عنوان نمودند که تمامی ریشه های بهره از منظر عقلی ناصحیح و قابل نقد بوده و وجود بهره، هیچ مبنای صحیح علمی ندارد.

موسویان و میسمی (۱۳۹۳)، در پاسخ به مباحث بخشی و دلایلی این دیدگاه را از اساس ناصحیح خوانده و چنین بحث می کنند که به هیچ وجه نمی توان حکمتی عقلی برای حکم حرمت ربا در اسلام در نظر گرفت. چرا که اولاً، موضوع ریشه های بهره در بین اقتصاددانان متعارف بحثی اختلافی است (مشابه سایر مباحث علم اقتصاد) و اگر برخی اقتصاددانان آن را نقد کرده اند، بسیاری دیگر آن را تایید نموده اند. در زمینه حذف بهره، محققان فوق، چنین بحث می کنند که: حذف بهره از اقتصاد اسلامی و جایگزین کردن آن با مشارکت در سود و زیان به جای قرض از اساس مطلبی ناصحیح به نظر می رسد. چرا که اولاً در قرآن کریم، خداوند عقود مبادله ای به نام بیع (و نه مشارکت) را جایگزین ربا معرفی کرده است. ثانیاً، جستجوی در روایات نیز نشان می دهد که هیچ نوع مزیتی برای عقود مشارکتی نسبت به عقود مبادله ای، مانند فروش اقساطی، ذکر نشده است. از این رو، هیچ دلیلی برای اینکه اساس بانکداری اسلامی را مشارکت بدانیم وجود ندارد. دیدگاه صحیح آن است که خداوند متعال برای نیازهای مختلف بشر عقود مختلفی را مشروع دانسته است که برخی از آن ها سود ثابت و ریسک کم دارند (مانند عقود مبادله ای) و برخی دیگر سود متغیر و ریسک بالاتر دارند (مانند عقود مشارکتی). با توجه به ماهیت بازار پول که بازاری کوتاه مدت بوده و بیشتر افراد ریسک گریز در آن حضور دارند، عقود مبادله ای کاربرد بیشتری در آن دارند و در مقابل عقود مشارکتی در بازار سرمایه بیشتر کاربرد دارند.

۵- نظریه های بهره و ارزیابی آنها

۵-۱- بهره، پاداش امساک از مصرف

یکی از نظریه های ابتدایی درباره بهره نظریه امساک است. مطابق این نظریه بهره پاداش پس انداز است. پس انداز خود ناشی از امساک از مصرف است و لازمه امساک از خود گذشتگی است. لذا بهره پاداش امساک است. شخصی که پس انداز می کند از مصرف فعلی خود چشم پوشی می کند و بدیهی است که خودداری از مصرف، مستلزم تحمل رنج و فداکاری است. بهره، جبران این از خودگذشتگی و مشوقی برای پس انداز کردن است.

نقد و بررسی نظریه

۱. مساله امساک در مورد ثروتمندان صادق نیست. زیرا اینها درآمد زیادی دارند که از نیازهای مصرفی شان بیشتر است لذا پس اندازشان خود به خود صورت می گیرد. طبقات متوسط هم برای تامین احتیاجات آتی خودشان پس انداز می کنند و حتی اگر نرخ بهره صفر درصد باشد باز هم پس انداز خواهند داشت. به عبارت دیگر، پس انداز ارتباطی با نرخ بهره ندارد، بلکه وابسته به سطح درآمد است و هر قدر سطح درآمد بالاتر باشد میزان پس انداز بیشتر خواهد بود.
۲. به پس اندازها به خودی خود بهره تعلق نمی گیرد، مگر اینکه پولی که پس انداز شده وام داده شود و در اختیار دیگران قرار گیرد. بنابراین امساک به تنهایی برای توجیه پدیده بهره کافی نیست.
۳. نظریه امساک، تقاضا برای سرمایه را نادیده می گیرد (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۰).

۲-۵- نظریه کارآیی نهایی

مطابق این نظریه، بهره از آن جهت پرداخت می شود که سرمایه عنصر مولدی است. وام گیرنده می تواند با استفاده از وام اخذ شده، کار تولیدی بکند و وام دهنده را در عواید به دست آمده سهمیم نماید. بنابراین هر قدر بازده بیشتر باشد، نرخ بهره بالاتر خواهد بود. به علاوه در شرایط رقابت کامل نرخ بهره با نرخ بازدهی نهایی سرمایه برابر خواهد شد.

نقد و بررسی نظریه

۱. نظریه ای است یک بعدی و ناقص، چرا که اثر عرضه سرمایه را در نرخ بهره نادیده می گیرد.
 ۲. این نظریه، بهره مربوط به وام های مصرفی را توضیح نمی دهد.
 ۳. نرخ بهره صرفاً وابسته به کارآیی سرمایه نیست، بلکه به عوامل دیگری مثل عرضه سرمایه، تامین وثایقی که وام گیرندگان می سپارند و نیز قیمت محصولات که بر اثر سرمایه گذاری در بازار مورد عرضه و تقاضا قرار می گیرد، بستگی دارد.
 ۴. نرخ بهره خود می تواند بازدهی را تحت تاثیر قرار دهد. مثلاً اگر نرخ بهره بالا باشد، سایر عوامل تولید را جایگزین سرمایه خواهند کرد و این کار را تا آنجا ادامه خواهند داد که بازده سرمایه با نرخ بهره برابر شود (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۰).
- بهره تحت تاثیر عوامل حقیقی و پولی است و عوامل متعددی علاوه بر عرضه و تقاضای سرمایه روی آن اثر می گذارند در نتیجه بهره نمی تواند حاکی از بازدهی سرمایه در اقتصاد باشد (موسویان، ۱۳۷۸).

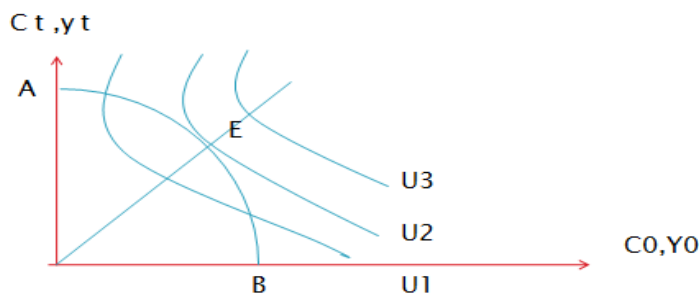
۳-۵- نظریه ترجیح زمانی

بوم باورک به سه دلیل اقتصادی، روانشناختی و فنی تلاش دارد اثبات کند که "کالاهای حال بر کالاهای آینده مزیت دارند" و همین مزیت موجب بیشتر بودن ارزش این کالاها بر کالاهای آینده

می شود و همین تفاوت ارزش کالاهای حال و آینده، منشأ تمام بهره های سرمایه است. او اصرار دارد نشان دهد علت اصلی انواع بهره یک چیز و آن تفاوت در ارزش میان کالاهای حال و آینده است. وی معتقد است وام چیزی جز مبادله کالای حال با کالای آینده نیست. وام دهنده در واقع مقداری کالای حال را به ازای مقداری کالای آینده به وام گیرنده می دهد. در قرارداد وام یک انتقال دو طرفه ملکیت در دو مجموعه کالاست که یکی به حال و دیگری به آینده تعلق دارد. او به دنبال اثبات این است که برآیند ارزش گذاری های ذهنی که قیمت بازاری کالاهای حال و آینده را تعیین می کند، معمولاً به نفع کالاهای حال است. قرض گیرنده که کالای حال را دریافت می کند بایستی توفیری پرداخت کند و این توفیر بهره است. بدین طریق او به دنبال توجیه بهره می باشد (رجائی، ۱۳۸۶)

ساموئلسون در توجیه علمی بهره سوالی را مطرح می کند تحت عنوان: "قدرت تولیدی یا بی صبری" و به این نتیجه می رسد که دو عامل قدرت تولیدی و بی صبری در هم اثر کرده و تعیین کننده رفتار نرخ های بهره می شوند. در شکل ۱ منحنی AB که نسبت به مبدأ مختصات مقعر است، منحنی امکانات تولیدی بین زمان حال (صفر) و زمان آینده (t) را نشان می دهد که تقعر آن به دلیل قانون بازده نزولی است و منحنی های U_1 و U_2 و U_3 منحنی های بی تفاوتی مصرف بین حال و آینده است.

شکل ۱- منحنی امکانات تولید و بی تفاوتی



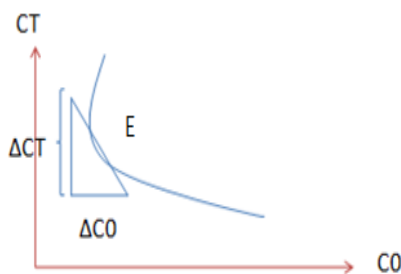
منبع: توتونچیان، ۱۳۷۹

او می نویسد که بهره به دو علت زیر به وجود می آید: (۱) تورش عمودی منحنی امکانات تولید AB بین مصرف حال و زمان آینده ($OA > OB$) زیرا با سرمایه گذاری درآمد حال Y_0 (که فرض می شود تمام آن می تواند در زمان حال مصرف شود یعنی $Y_0 = C_0$) در زمان آینده می توان به

اندازه Y_t درآمد به دست آورد که بزرگتر از Y_0 است (مضافاً اینکه در زمان آینده نیز می توان تمام درآمد آن زمان را خرج کرد یعنی $C_t = Y_t$) و ۲ یک تورش عمودی در مورد مصرف کننده حال (C_0) و مصرف آینده (C_t). به این معنا که شیب این منحنی های بی تفاوتی مصرف به صورتی است که نرخ ارجحیت زمانی مثبت را نشان می دهد یعنی: $U_0(C) > U_t(C)$ و مفهوم آن این است که مطلوبیت یک سبد کالا (C) در زمان حال (صفر) یعنی C_0 بیش از مطلوبیت همان سبد کالا در زمان آینده یعنی C_t است.

در شکل ۲ ملاحظه می شود که فرد حاضر است که مقدار ΔC_t را با ΔC_0 معاوضه کند و چون C_0 مصرف زمان حال است، نتیجه گرفته می شود که مصرف زمان حال به مصرف آینده ترجیح دارد زیرا مقدار بیشتری از مصرف آینده را فرد حاضر است برای مقدار کمتری از همان کالا در زمان حاضر معاوضه کند. بنا به گفته ساموئلسون تقعر AB همان علت اول است که او آن را قدرت تولیدی (سرمایه) می نامد و نرخ ارجحیت زمانی بین مصرف حال و آینده همان علت دوم است که او به آن اشاره دارد. ساموئلسون اضافه می کند که بالاترین منحنی بی تفاوتی مصرف یعنی U_2 که با منحنی امکانات تولید در نقطه E مماس می شود، شیب این دو منحنی در این نقطه که بزرگتر از عدد واحد است، نشان دهنده وجود نرخ بهره مثبت است. تفاوت عدد حاصل از شیب نقطه E از عدد واحد (بنا به اعتقاد غربی ها) نرخ بهره را نشان می دهد. گذشته از این، به عقیده کاسل بهره بهایی است که برای یک عامل تولید مستقل و ابتدایی پرداخت می شود که می توان آن را با توجه به منظر خاصی که به آن توجه می شود، انتظار یا مصرف سرمایه نامید.

شکل ۲- نرخ ارجحیت زمانی



منبع: توتونچیان، ۱۳۷۹

نقد و بررسی نظریه

به عقیده توتونچیان (۱۳۷۹)، کاسل در پیچیدگی هایی که خود در ایجاد آن سهم قابل توجهی داشته، دچار سردرگمی شده است و آن اینکه بهره به پول تعلق می گیرد در حالی که پول با توجه به جنبه حقوقی آن هرگز نمی تواند یک عامل تولید محسوب شود. دوم آنکه بهره در اقتصاد سرمایه داری پاداش به پس انداز کننده است که پس انداز خود را به صورت وام در اختیار وام گیرنده قرار می دهد. سوم اینکه معلوم نیست که وام گیرنده حتماً این وام را صرف افزایش سرمایه بکند یا نه. و نکته چهارم، از یک طرف پس انداز کننده انتظار سررسید وام خود را می کشد و از طرف دیگر سرمایه گذار در انتظار نتیجه سرمایه گذاری خود است و پاداش انتظار سرمایه گذار سود است نه بهره. بنابراین یک انتظار جدیدی هم به انتظارات قبلی اضافه می شود

در حالی که بر اساس مطالعه موسویان و میسمی (۱۳۹۳)، دقت در اقتصاد جوامع اسلامی و غیر اسلامی نشان می دهد که برخی از ریشه های بهره مانند ترجیح زمانی کاملاً در زندگی تمامی انسان ها وجود دارد. به عنوان مثال همین که افراد به دنبال دریافت تسهیلات هستند (چه مبتنی بر روش های ناصحیح مانند ربا و چه روش های صحیح مانند فروش اقساطی) بدان معنی است که حال را به آینده ترجیح می دهند که مهم ترین دلیل منطقی آن نیز وجود ریسک و مخاطره در آینده می باشد (که مهم ترین آن احتمال مرگ انسان است).

بنابراین نمی توان پدیده ای را که در زندگی اکثر عقلای جهان وجود دارد، غیرعقلی و ناشی از اشتباه در محاسبه دانست. از سوی دیگر، در دین اسلام هیچ شاهدی مبنی بر اینکه ترجیح زمان حال به آینده امری نامشروع یا ناصحیح است وجود ندارد، بلکه برعکس، بر استفاده از فرصت های زندگی و خطر از دست دادن آنها در آینده تاکید شده است. نهایتاً اینکه پذیرفته بودن تعیین نرخ سود به دلیل عامل زمانی در عقود مختلف اسلامی مانند تنزیل دین به قیمت کمتر، فروش اقساطی، مرابحه و ... دال بر این مسئله است.

نتیجه اینکه نه به صورت کلی می توان گفت اسلام ترجیح زمانی را رد می کند و نه می توان گفت آن را به طور کامل می پذیرد. بلکه اگر ترجیح زمانی در عقود شرعی مانند مرابحه، فروش اقساطی، بیع دین و ... تجلی یابد، امری مورد تایید شرع و اسلام می باشد. اما ترجیح زمانی در عقود ناصحیح مانند ربا، مورد تایید شارع نیست. در این رابطه برخی از محققان به خوبی بر مسئله صحیح بودن ترجیح زمانی در معاملات واقعی اقتصادی تاکید نموده و نشان داده اند که: "با تاملی در آثار فقهی اعم از متقدمین و متاخرین، چنین برمی آید که مسئله ترجیحات بین زمانی به عنوان یک حقیقت رفتاری انسانی، مورد توجه و عنایت شارع مقدس بوده است. از این رو، فقه های اسلامی

در ارزش گذاری مثبت زمان در خصوص معاملات، اجماع دارند و ارزش گذاری پولی این ترجیحات در معاملات واقعی اقتصادی، موجه و مقبول است."

نظریه ترجیح زمانی از جهاتی بر نظریه های دیگر برتری دارد. از این جهت که در توضیح بهره، هم تقاضای سرمایه و هم عرضه سرمایه را مورد توجه قرار می دهد. تقاضا برای سرمایه به بازده نهایی سرمایه بستگی دارد، در حالی که عرضه سرمایه به "ترجیح زمان" از نظر افراد وابسته است و نرخ بهره در نقطه تعادل عرضه و تقاضای سرمایه تعیین خواهد شد. نظریه "ترجیح زمان" پایه نظریه وجوه قابل استقراض است. با این حال نظریه "ترجیح زمان" به لحاظ فروض آن مشمول انتقاداتی به شرح زیر است:

۱. در این نظریه قدرت خرید پول در طول زمان ثابت فرض شده است.
۲. موقعیت و رفتار مصرف پس انداز کنندگان را نیز در طول زمان ثابت می داند (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۰).

۶- توجیه بهره، به عنوان یک ضرورت اقتصادی در اقتصاد سرمایه داری

برخی از اقتصاددانان عمدتاً به این مسئله توجه داشتند که بهره پدیده ای مفید و موثر است و آثار مثبت زیادی در اقتصاد دارد و به نظر خودشان بیشتر دنبال علمیت بهره و ضرورت اقتصادی آن بوده اند. به بیان دیگر، از طریق عملکرد اقتصادی، دنبال اثبات حقانیت بهره هستند. در این بخش به بررسی این گروه از نظریات پرداخته می شود:

۱-۶- بهره عامل پس انداز

این نظریه که ابتدا از طرف اقتصاددانان کلاسیک مطرح شد مبتنی بر این باور است که: پس انداز تابع مستقیم از نرخ بهره است. بدین معنا که با افزایش نرخ بهره حجم پس انداز بالا می رود و بالعکس با کاهش نرخ بهره مقدار پس انداز کاهش می یابد. یعنی $S=f(r)$ ، $f' > 0$. بعد از کلاسیک ها اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک نیز از تابعیت مستقیم پس انداز از بهره حمایت کردند و از آنجا که در تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری نیاز به پس انداز است، از این طریق ضرورت وجودی بهره را اثبات کردند.

نقد و بررسی نظریه

کینز با نقد نظریه مذکور اعتقاد داشت که پس انداز، به نرخ بهره بستگی ندارد بلکه وابسته به سطح درآمد است. نظریه های مصرف-درآمد بعد از کینز در توضیح پس انداز بیشتر به عوامل دیگری غیر از تغییرات نرخ بهره متمرکز شده اند. برای مثال در فرضیه دوره زندگی مودیگلیانی، سطح پس انداز، رابطه عکس با نرخ بهره دارد. زیرا با افزایش نرخ بهره، با حجم کمتری از پس انداز، می توان به درآمد معینی دست یافت (موسویان، ۱۳۸۶).

۲-۶- "بهره" عامل هدایت پس اندازها به سمت سرمایه گذاری

افراد، به انگیزه های گوناگون، بخشی از درآمد خود را پس انداز می کنند و عمدتاً دوست دارند که این پس انداز، به صورت پول نقد باشد، درحالی که اگر بخواهیم این کار را با دیگر انواع دارایی ها حتی با اوراق بهادار انجام دهیم، لازم است ابتدا آنها را در بازار پول و سرمایه بفروشیم. روشن است که این کار، علاوه بر هزینه، مستلزم زمان و صرف وقت است. بنابراین در یک شرایط برابر، اشخاص ترجیح می دهند که بخش مهمی از پس انداز خود را به صورت پول نقد، نگهداری کنند و مشخصاً این عامل موجب می شود بخشی از درآمد و پول رایج، از جریان اقتصادی خارج شود که آثار زیانباری بر اقتصاد دارد. از یک طرف، تقاضای کل کاهش می یابد که عامل رکود و بیکاری است و از سوی دیگر، سرمایه نقدی مورد نیاز موسسات تولیدی، کاهش می یابد که خود عامل رکود و کاهش اشتغال است. به اعتقاد کینز و گروهی از اقتصاددانان: "وجود بهره، عاملی است که افراد حاضرند به خاطر آن، از نگهداری پول نقد، صرف نظر کرده و آن را از طریق خرید اوراق بهادار یا ایجاد سپرده بانکی، به سرمایه گذاری تبدیل کنند."

نقد و بررسی نظریه

گرچه وجود سطوحی از نرخ بهره، باعث می شود که افراد، تمام یا بخش زیادی از پس انداز خود را به شکل اوراق بهادار یا سپرده های بانکی نگهدارند، لکن از جمله، به دلایل زیر، این مطلب، علمیت بهره و ضرورت آن را ثابت نمی کند. اولاً، برای جلوگیری از کنز پول، می توان راه های دیگری انتخاب کرد. ثانیاً، بر خلاف تصور اولیه، امروزه نظام بهره، عامل مهمی در انحراف پس اندازها از سرمایه گذاری به حساب می آید. نتیجه اینکه نظام بهره، نه تنها عامل هدایت پس اندازها به سمت تولید و سرمایه گذاری نشده بلکه تبدیل به ضدها عمل شده و پس اندازها را به سمت مصرف یا سفته بازی، سوق می دهد. ثالثاً، بر فرض هم اگر بتوان از عوارض منفی نظام بهره، جلوگیری کرد، باز هیچ ضرورت وجودی برای آن اثبات نمی شود؛ چون عاملی که سبب می شود مردم از نگهداری پس اندازشان به شکل پول نقد خودداری کنند، وجود درآمد است و هیچ ضرورتی ندارد که درآمد، در قالب "بهره" باشد بلکه چنانچه گذشت می تواند در قالب مشارکت و سهمی از سود تولید باشد (موسویان، ۱۳۸۶).

۳-۶- بهره، عامل تخصیص بهینه منابع

"در نظام سرمایه داری، تخصیص منابع مالی (پس اندازها) بین طرح های رقیب، براساس نرخ بهره صورت می پذیرد. طرح هایی که نوید سودآوری بیشتری نسبت به نرخ بهره دارند، منابع مالی بیشتری را جذب می کنند. در مقابل، پروژه های ضعیف، چنین قدرتی را ندارند و در نتیجه از عرصه فعالیت ها حذف می شوند. بنابراین نظام بهره، سبب افزایش کارایی از طریق تخصیص پس اندازها

به سودآورترین سرمایه گذاری ها می گردد و اگر بهره از اقتصاد، حذف شود، معیار انتخاب و گزینش از بین می رود. چه بسا طرح های ضعیف، جایگزین طرح های قوی گردد و کل اقتصاد به سمت ضعف و ناکارآمدی، گرایش پیدا کند."

نقد و بررسی نظریه

شکی نیست که تخصیص منابع مالی و پس اندازها به سودآورترین طرح های اقتصادی (البته با رعایت مسایل دیگری چون آثار جانبی مثبت و منفی اجتماعی طرح ها) عامل مهمی در رشد و شکوفایی اقتصاد به حساب می آید و طبیعی است که برای این منظور نیاز به معیار و شاخصی است که بتوان براساس آن، طرح ها را ارزیابی و رده بندی کرد، ولی هیچ ضرورتی ندارد که این شاخص، نرخ بهره باشد. همانطور که در نظام بهره، برای ارزیابی و گزینش طرح ها، نرخهای مختلف بهره و سود بخش ها و بازارهای مختلف پولی و مالی، با هم جمع شده و معدل گیری می شود و آن معدل، به عنوان شاخصی برای ارزیابی در نظر گرفته می شود، در اقتصادهای بدون بهره نیز صاحبان پس انداز و کارفرمایان اقتصادی می توانند براساس نرخ بازدهی سرمایه در کل اقتصاد (معدل نرخ سود بخشهای مختلف اقتصادی) طرح های رقیب را ارزیابی کنند و درنهایت، پروژه هایی که بالاترین سود را نسبت به سود متوسط دارند، به ترتیب برای سرمایه گذاری انتخاب کنند و انتظار می رود این شاخص، به جهت واقعی و درونزا بودنش بهتر از شاخص نرخ بهره، عمل کند (موسویان، ۱۳۸۶). نتیجتاً نه تنها هیچیک از نظریه های مذکور نمی تواند علمیت و ضرورت وجودی بهره را اثبات کند؛ بلکه بهره خود، از عوامل اصلی ایجاد مشکلات اقتصادی نظیر عدم تعادل ها، افزایش هزینه های تولید، سطح تولید کل، و ... است که در قسمت بعد مورد بحث قرار می گیرد.

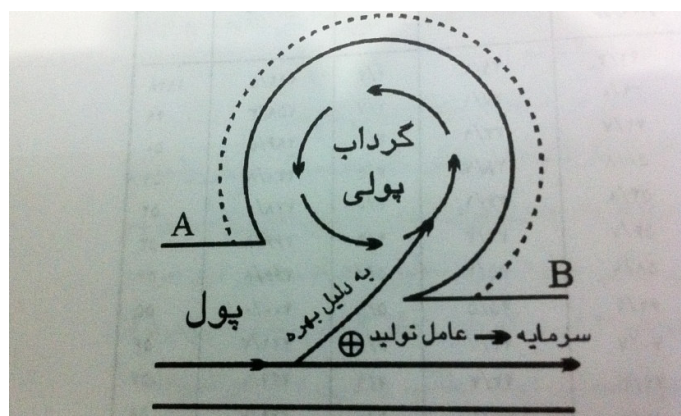
۷- آثار منفی بهره

۷-۱- بهره و وجود عدم تعادل های اقتصادی در نظام سرمایه داری

در اقتصاد سرمایه داری همواره $S > I$ خواهد بود. مابه التفاوت S (پس انداز) و I (سرمایه گذاری) وارد بازار سفته بازی (یعنی همان بازار پولی و خرید و فروش اوراق قرضه براساس مدل کینز در خصوص تقاضای سفته بازی برای پول) می شود. کینز بحث می کند که وجود بهره موجب چنین بازاری است. در شکل زیر حجم بهینه سرمایه در حدی است که کارآیی نهایی سرمایه (یعنی همان نرخ بازدهی داخلی) برابر نرخ بهره باشد. یعنی سرمایه گذاران تا جایی سرمایه گذاری می کنند که نرخ بازدهی داخلی بیش از نرخ بهره باشد. یعنی $R > r$. بنابراین در نرخ بهره r^- حد بهینه سرمایه K^- خواهد بود. زیرا در حجم سرمایه بیش از K^- هزینه بهره بیش از بازدهی داخلی حاصل از

سرمایه گذاری است. نتیجه آنکه فاصله بین K^- و K^* به بازار پولی سوق داده می شود. زیرا با حذف بهره حجم سرمایه می تواند تا به اندازه K^* افزایش یابد ولی نرخ بهره اجازه سرمایه گذاری تا به اندازه بیش از K^- را نمی دهد. فاصله بین K^* تا K^- به بازار پولی سرازیر می شود که با استفاده از منحنی های استاندارد عرضه و تقاضا برای پول (براساس نظریه کینز) نرخ بهره r^- را ایجاد می کند. به این علت است که در نظام سرمایه داری کارگر در انتظار دعوت سرمایه گذار باقی می ماند و به جای به کارگیری $K^* K^-$ سرمایه که او را به کار بگمارد، سرمایه بالقوه راهی بازار سفته بازی (پول) می شود و کارگر بیکار می ماند. بنابراین بهره علت اصلی بیکاری در این نظام است. برای روشن شدن تاثیر وجودی بازار پولی (و همچنین سفته بازی در بازار کالا و اوراق بهادار) بر تولید و اشتغال می توان از شکل ۳ استفاده کرد.

شکل ۳- گرداب پولی حاصل از بهره (ربا) و خروج سرمایه از جریان عادی خود



بر اساس نظر توتونچیان، سرمایه جریان عادی خود را از سمت چپ به راست ادامه می دهد ولی در این مسیر گردابی وجود دارد که سرمایه را از جریان عادی خود خارج کرده و وارد آن می شود. این گرداب را، گرداب پولی می نامیم. در این گرداب به پول، بازدهی به نام بهره تعلق می گیرد که این بازدهی بیش از نرخ سود سرمایه گذاری است. سرمایه بالقوه (یعنی همان پول) از مسیر اصلی خارج شده و وارد این گرداب می شود که گرچه برای وام دهندگان و سفته بازان در بازار پولی درآمد ایجاد می کند ولی نه تنها باعث افزایش تولید و اشتغال بیشتر نمی شود بلکه به عنوان هزینه

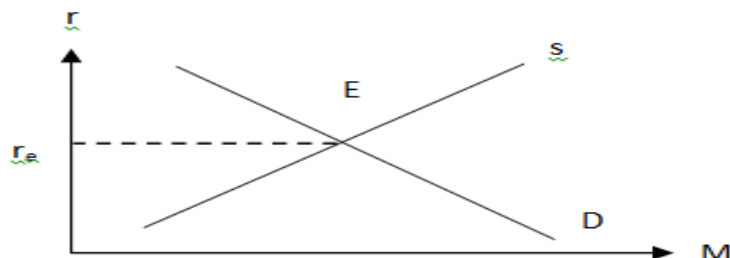
به قیمت تمام شده محصولات ساخته شده اضافه شده و موجب عدم تعادل ناشی از بیکاری و تورم (به دلیل قدرت خلق پول بانکداری ربوی) و نیز رکود تورمی می گردد. همین درآمد حاصل در بازار پولی است که موجب تقاضای مازاد است. این گرداب با رشد اقتصاد سرمایه داری رابطه مثبتی دارد یعنی هر قدر به حجم فعالیت های اقتصادی اضافه شود، این گرداب وسیع تر و عمیق تر خواهد شد (توتونچیان، ۱۳۷۹).

برخی دیگر از محققان اعتقاد دارند که حرمت ربا در اقتصاد اسلامی بدان معنی است که این اقتصاد همواره در وضعیت بهینه قرار خواهد داشت. در واقع: "در نظام سرمایه داری، بهره تنها در وضعیت سیری سرمایه صفر خواهد بود و در دیگر مواقع، در پاسخ به اوضاع اقتصادی، بهره بزرگتر و یا کوچکتر از صفر خواهد شد (که به ایجاد بیکاری و خروج از تعادل می انجامد). اما در نظام اقتصادی اسلام، به دلیل تحریم ربا و عدم اجازه ظهور آن در عرصه فعالیت های اقتصادی این وضعیت ایجاد نخواهد شد. نتیجه تحریم ربا در نظام اقتصادی اسلام این خواهد بود که در جامعه اسلامی، برخلاف نظریه سرمایه داری، وضعیت بهینه (سیری سرمایه) در عمل محقق خواهد شد." (بخشی و دلایلی، ۱۳۹۱) برخی از محققان اسلامی نظیر موسویان و میسمی این استدلال را از اساس ناصحیح می دانند. به عقیده آنان، در نظام اقتصادی اسلام نرخ سود عقود، جایگزین بهره می باشد و از طرفی حرمت ربا در عقد قرض، به معنای صفر بودن دائمی نرخ سود نیست. بنابراین نمی توان به صورت قطعی مدعی بود که اقتصاد اسلامی همواره در حالت تعادل و وضعیت بهینه قرار دارد و این وضعیت تابع میزان نرخ سودی است که در واقعیت اتفاق می افتد. به عبارت دیگر، حذف ربا در اسلام، به هیچ عنوان به معنای حذف نرخ سود نیست (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳).

۲-۷- تاثیرات نرخ بهره بر هزینه ها و سطح تولید کل

از سوی دیگر، اثرات مخرب بهره از دیدگاه اقتصاد خرد نیز قابل بررسی است. زیرا تولیدکننده همواره در پی حداکثر کردن سود اقتصادی است. سود مابه التفاوت درآمد کل و هزینه کل به شمار می رود. این سود، هنگامی به حداکثر می رسد که درآمد نهایی، با هزینه نهایی برابر باشد: $MR=MC$. نرخ بهره طبق شکل ۴ به دست می آید.

شکل ۴- تعیین نرخ بهره

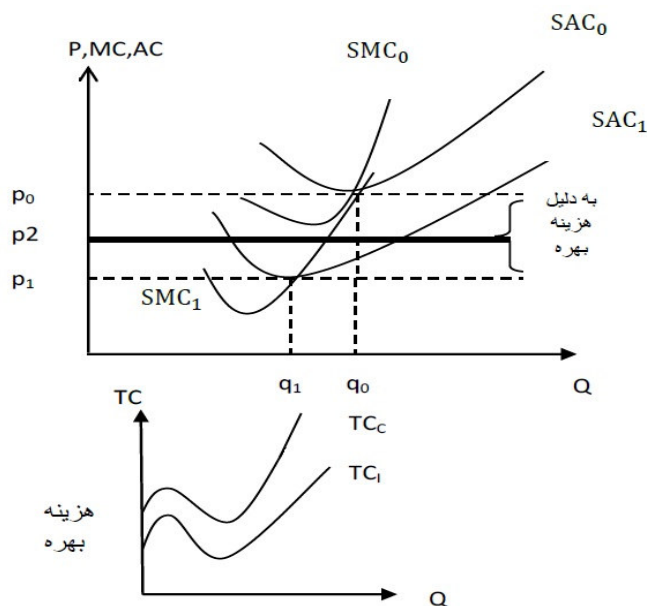


شکل ۴ نرخ بهره تعادلی در نظام بهره را بر اساس الگوی کینزی یا نئوکلاسیک ها نشان می دهد. اگر S و D به ترتیب، منحنی عرضه و تقاضای پول باشد، نمودار بازار پول بر اساس نظریه رجحان نقدینگی کینز را نشان می دهد، و اگر کل وجوه عرضه شده و کل وجوه تقاضا شده برای استقراض باشد، الگوی وجوه استقراض نئوکلاسیک را می نمایاند. محل تقاطع منحنی های S و D ، نرخ بهره تعادلی (r_E) را مشخص می سازد. حال اگر تولیدکننده بر اساس وام دریافتی که به ازای آن، نرخ ثابت و معینی را می پردازد، وارد تولید کالا شود، هزینه های تولیدی او به میزانی که نرخ بهره می پردازد، بالا خواهد رفت؛ در صورتی که اگر به جای نرخ بهره از عقود اسلامی استفاده کند، این بخش از هزینه ها حذف شده؛ در نتیجه توابع هزینه به همان اندازه هزینه بهره (C_r) کاهش می یابد. مطابق شکل ۵، هزینه نهایی (MC_1) و متوسط (AC_1) تولیدکننده، تحت شرایط بانکداری اسلامی، در هر سطحی از تولید، از تولیدکننده استفاده کننده از وام با بهره (MC_0, AC_0) پایین تر است. و به دلیل وجود بازده فزاینده به مقیاس در نظام اسلامی و بالا بودن بهره وری عوامل تولید، شیفیت منحنی هزینه ها به سمت چپ و پایین اتفاق می افتد. بنابراین هزینه تولید در نظام ربوی بالاتر از نظام اسلامی است و منحنی هزینه آن در بالای منحنی هزینه تولید نظام اسلامی است.

در نظام سرمایه داری، تولید کننده بهره پرداختی بابت وام دریافتی از بانک را به هزینه تولید خود اضافه می کند. به عبارتی وام را متناسب با سطح تولید دریافت می کند و بهره پرداختی را بر سطح تولید تقسیم کرده، متوسط هزینه بهره یک واحد تولید به دست می آید که این هزینه، متناسب با سطح تولید بالا می رود. به عبارتی می توان گفت که هزینه بهره، همچون مالیات بر واحد عمل کرده و به هزینه تولید اضافه می شود. یعنی با بالا رفتن سطح تولید، این هزینه نیز بالا می رود. بنابراین، هزینه بهره به هزینه تولید اضافه شده و منجر به افزایش هزینه متوسط و نهایی تولید می شود که براساس آن قیمت محصول و خدمات تولیدی (به دلیل اینکه قیمت با هزینه نهایی برابر است و هزینه نهایی به دلیل وجود بهره افزایش یافته) نیز بالا می رود (این افزایش

قیمت علاوه بر افزایش قیمتی است که ناشی از خلق پول در نظام ربوی است). افزایش قیمت هم با توجه به کشش قیمتی برای کالاها و خدمات باعث کاهش تقاضا و کاهش تولید می گردد (سامی، ۱۳۷۴؛ موسویان، ۱۳۷۸ و سالواتوره، ۱۳۸۴).

شکل ۵- تاثیر بهره بر هزینه های تولید



منبع: سامی، ۱۳۷۴ و موسویان، ۱۳۷۸

همانطور که در شکل ۵ مشاهده می شود، (اگر در بازار رقابت کامل فعالیت صورت پذیرد، شرط تعادل کوتاه مدت $p=mc$)، تولید تحت شرایط بانکداری اسلامی، به دلیل عدم وجود بهره، منجر به کاهش هزینه های تولیدی می شود. و همین مسئله سبب کاهش سطح قیمت می گردد به طوری که در قیمت P_2 ، بنگاهی که تحت بانکداری اسلامی فعالیت می کند، سود مثبت به دست می آورد ولی بنگاهی که در نظام ربوی فعالیت می کند، دارای زیان است و نمی تواند هزینه های خود را پوشش دهد و از صحنه تولید خارج می شود (البته اگر قیمت از هزینه های متوسط متغیر پایین تر باشد). اگر سطح قیمت P_1 تعیین شده باشد، سود صفر برای بنگاه در نظام اسلامی اتفاق می افتد و اگر سطح قیمت در کوتاه مدت در بازار رقابت کامل در P_0 باشد، سود صفر بنگاه در نظام ربوی

اتفاق می افتد، بنابراین سود نرمال در سیستم اسلامی در سطح تولید پایین تری اتفاق می افتد. با توجه به اینکه در نظام اسلامی، بازده افزایشی به مقیاس وجود دارد و کارایی و بهره وری عوامل تولید در این نظام در مقایسه با نظام سرمایه داری، بالاتر است، لذا همین مساله نیز منجر به شروع سودآوری سریع تر در نظام اسلامی می گردد. (سالواتوره، ۱۳۸۴)

در نظام بانکی اسلام، بانک ها با کسانی که می خواهند فعالیتی را شروع کنند، قراردادهای عقود را منعقد و براساس دریافت سهمی از نتیجه فعالیت، تسهیلات را پرداخت می کنند. به این دلیل در بلندمدت نیز تولید می تواند در سود صفر انجام گیرد. و جامعه از عرضه تولیدات اقتصادی استفاده کند. حال آنکه در نظام ربوی نه تنها این امر مقدور نیست بلکه سود باید از حد بهره پرداختی به بانک نیز بیشتر باشد تا فعالیت اقتصادی ادامه یابد.

هزینه بهره در نظام سرمایه داری همانند مالیات بر واحد $(TC=TFC+TVC+tQ)$ ، عمل می کند چون به ازای هر واحد وام دریافتی، درصد مشخصی به عنوان بهره از طرف بنگاه پرداخت می شود و باعث می شود منحنی TC پرشیب تر رسم شود. ولی در نظام اسلامی سهم سودی که پرداخت می شود، همانند مالیات بر سود است. در مالیات بر سود، سطح تولید و قیمت تغییر نمی کند. مالیات بر سود همانند پرداخت سهمی یا درصدی از سود به سپرده گذار یا وکیل وی (بانک) عمل کرده و چه در حالت انحصار یا رقابت کامل، دریافت سهمی از سود، کاهش تولید و افزایش قیمت را به همراه نخواهد داشت. و تنها سبب کاهش سود تولید کننده می شود. به بیان اقتصادی:

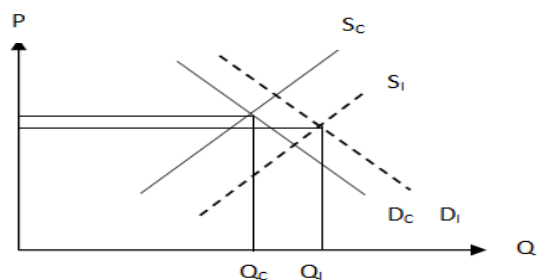
$$\begin{aligned}\Pi &= TR - TC - K\Pi = TR - TC - K(TR - TC) \\ &= (1-K)(TR - TC) = (1-K)\Pi \\ (1-K)[d(TR)/dQ - d(TC)/dQ] &= 0\end{aligned}$$

شرط حداکثر سازی سود

شرط حداکثرسازی سود تغییر نمی کند و سطح تولید و قیمت با وضع مالیات بر سود ثابت می ماند. (سامی، ۱۳۷۴)

با وجود پایین تر بودن قیمت در نظام اسلامی، سطح تولیدی که در نهایت در اقتصاد تولید می شود بالاتر از نظام ربوی است. از آنجایی که در این نظام توزیع درآمد به عدالت نزدیکتر است، درآمد طبقه کارگر و اشتغال در این نظام در وضعیت بهتری قرار دارد، لذا تقاضا برای محصول نسبت به نظام ربوی بالاتر است. تولید کننده نیز به دلیل کاهش هزینه تولید و شیف منحنی عرضه اش به سمت راست، تولید بیشتری انجام می دهد و از طرفی تقاضا برای محصول نیز به دلیل افزایش درآمد آنها، بیشتر شده، که در نهایت تولید بیشتری را در نظام اسلامی نتیجه می دهد.

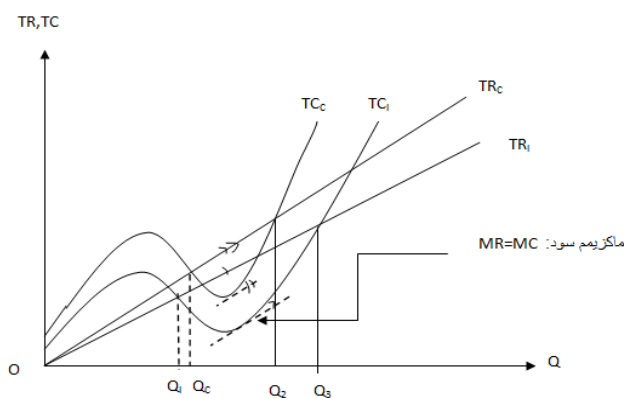
شکل ۶- تأثیر بهره بر تولید کل



همان طور که در شکل ۶ مشاهده می شود، در وضعیت تعادل، تولید تحت نظام اسلامی Q_I بیشتر از نظام ربوی Q_C است. اگر کشش قیمتی تقاضا بالا باشد، تأثیر افزایش Q بیشتر از کاهش P خواهد بود و در نهایت درآمد کل تولیدکننده نیز در نقطه تعادل بیشتر از درآمد کل تولیدکننده تحت نظام ربوی خواهد بود (توتونچیان، ۱۳۷۹ و سالواتوره، ۱۳۸۴).

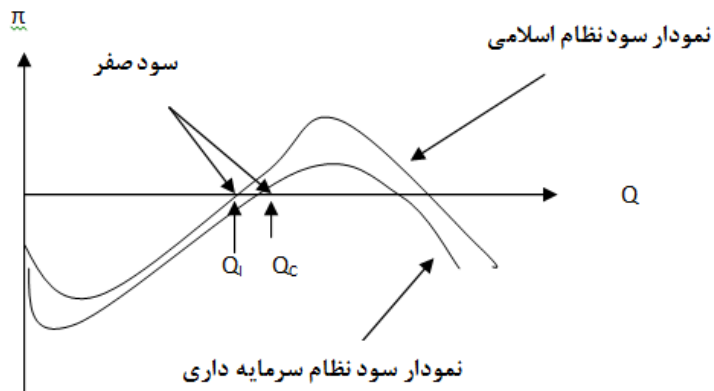
به علاوه، با مقایسه سود صفر در دو نظام می توان به وضوح دریافت که شروع سودآوری تولید تحت نظام اقتصاد اسلامی زودتر اتفاق می افتد.

شکل ۷- نقطه سر به سر در دو نظام



همانطور که در شکل ۷ مشاهده می شود، Q_I در نقطه سر به سر کمتر است.

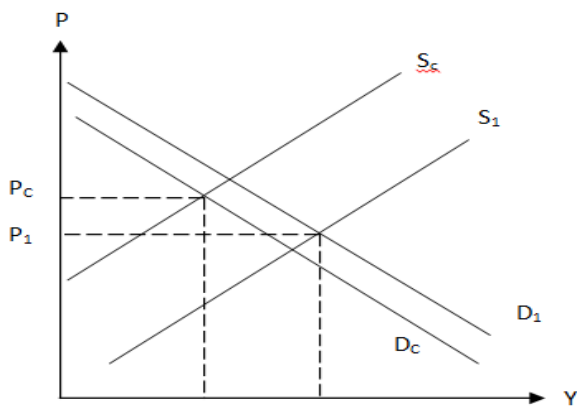
شکل ۸- مقایسه سود در دو نظام اقتصاد سرمایه داری و اسلام



Q_2 و Q_3 شروع زیان بنگاه می باشد و Q_1 و Q_c شروع سودآوری بنگاه در بانکداری اسلامی و سرمایه داری می باشد.

از سوی دیگر، با جایگزینی بانکداری اسلامی، به جای سیستم تأمین مالی در نظام بهره، در پی بالارفتن اشتغال و تولید کل، عرضه کل نیز افزایش یافته و مطابق شکل ۹ به سمت راست منتقل می شود.

شکل ۹- تأثیر حذف بهره بر تولید کل



منبع: (توتونچیان، مقالات)

این مطالب از دیدگاه اقتصاد خرد به راحتی قابل توجیه است. زیرا با کاهش هزینه ها (حذف هزینه بهره، تولید هر بنگاه فزونی گرفته، با انتقال منحنی عرضه به وضعیت S_1 ، سطح عمومی قیمت ها کاهش می یابد؛ البته در اثر بالا رفتن اشتغال که خود منجر به بهبود توزیع درآمد می گردد، انتظار داریم که منحنی تقاضای کل به سمت راست (D_1) منتقل شود؛ اما در مجموع قیمت ها پایین می آید (توتونچیان، مقالات).

۸- جمع بندی

هدف از این مطالعه، بررسی اقتصادی و ارزیابی بخشی از دلایل حرمت ربا در اسلام بوده است. زیرا به عقیده نویسندگان مقاله حاضر، همه علل تحریم ربا ممکن است هنوز به صورت قطعی احراز نشده باشد. در این راستا، و برای رسیدن به این هدف، ابتدا، نظریات مختلف پیرامون بهره و ربا و نقدهای وارد بر آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس به تأثیرات مخرب بهره بر اقتصاد و نقش آن در ایجاد بحران های اقتصادی پرداخته شد. در ادامه، به اثرات حذف بهره در نظام اقتصاد اسلامی در مقایسه با نظام اقتصاد سرمایه داری بر هزینه ها، سطح تولید و عرضه کل پرداخته شد. با توجه به مضرات بهره که بخشی از آن در این مطالعه مورد بحث قرار گرفت و سایر مضراتی که این متغیر کلیدی بر اقتصاد دارد و مباحث مطرح شده، می توان هر چه بیشتر به دلائل تحریم ربا و ضرورت حذف عملی آن از سیستم بانکی، و جایگزینی نظام بانکداری ربوی با بانکداری اسلامی در کشورهای مسلمان پی برد.

منابع

۱. بخشی دستجردی، رسول (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی نظریه نرخ بهره صفر با نظریه تحریم ربا در اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸: ۸۸-۶۱.
۲. بیضایی، سید ابراهیم (۱۳۸۴)، نظریه رجحان نقدینگی بهره از کینز است یا گزل؟، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۱۵: ۱۱۵-۱۰۱.
۳. پورفرج، علیرضا (۱۳۸۵)، روش دستیابی به رشد پایدار با حذف بهره در الگوی پولی اسلامی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم: ۱۰-۲.
۴. توتونچیان، ایرج، "مجموعه مقالات"
۵. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، انتشارات توانگران، چاپ اول.
۶. خواجه احمدی، حمید و سید محمد جواد سراج زاده (۱۳۸۶)، نگاهی به مفهوم بهره، مجله اقتصادی، شماره ۷۱: ۱۴-۵.
۷. دلالی اصفهانی، رحیم و محمد واعظ برزانی (۱۳۸۹)، مبانی نظری بحران مالی جهانی و بررسی طرح برون رفت پولی، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی.
۸. دومینیک سالواتوره، یوجین ا. دیولیو (۱۳۸۴)، اصول علم اقتصاد، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی و علی مهدی پور، انتشارات کوهسار، چاپ چهارم.
۹. رجائی، سید کاظم (۱۳۸۶)، پایه های نظری بهره در مقایسه با مشارکت و چرخش عملی به سمت مشارکت، مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس: ۸-۳.
۱۰. رستمی، محمد زمان (۱۳۹۰)، چالش های مفهومی ربا، بهره و بهره تعادلی (شیوه برخورد قرآن کریم با مفاسد اقتصادی)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۱: ۲۱۴-۱۸۹.
۱۱. رضوی، مهدی (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی در ایران، تاریخچه، عملکرد و برنامه ریزی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، چاپ اول.
۱۲. سامی، ابوالفضل (۱۳۷۴) بررسی نقش بهره در نظام بانکداری اسلامی و سرمایه داری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. صامتی مجید؛ نورالله صالحی آسفیجی، و مصطفی صالحی آسفیجی، (۱۳۸۹)، تحلیل ریسک بهره در مقایسه با یک نظام مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان، معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره اول: ۱۴۷-۱۱۹.

۱۴. علی احمدی و همکاران، تفاوت به کارگیری نرخ سود با نرخ بهره در اقتصاد مهندسی و ارزیابی اقتصادی طرحهای سرمایه گذاری در جوامع اسلامی، اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی.
۱۵. کرویتس، هلموت (۱۳۷۸)، پول، بهره، بحران های اقتصادی و اجتماعی، ترجمه حمیدرضا شه میرزادی، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
۱۶. کلباسی، حسن و رسول بخشی (۱۳۸۲)، دستاوردهای علمی درباره نرخ بهره و تحلیل تاثیر آن بر تورم و وضعیت اقتصاد ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰: ۱۱۲-۱۰۱.
۱۷. ماجدی، علی و حسن گلریز (۱۳۷۰)، پول و بانک از نظریه تا سیاست گذاری، موسسه علوم بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم: ۲۲۰-۲۱۱.
۱۸. موسویان، سید عباس (۱۳۸۱)، آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵.
۱۹. موسویان، سید عباس (۱۳۸۷)، نظریه های ربا و بهره، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷.
۲۰. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶) نقد و بررسی مبانی حقوقی و دلائل اقتصادی بهره، فلسفه و کلام، کتاب نقد، شماره ۱۱: ۸۸-۱۰۵.
۲۱. موسویان، عباس (۱۳۷۸)، بانکداری اسلامی، انتشارات موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۲۲. موسویان، سید عباس و حسین میسمی، (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی، مبانی نظری-تجارب علمی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم
۲۳. مهربانی، وحید (۱۳۹۱)، حذف بهره سپرده و پیامد آن برای هزینه رفاهی تورم: یک رویکرد نظری، دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۲: ۵-۱۹.
۲۴. واعظ برزانی، محمد و محمد ایزدخواستی، (۱۳۹۰)، تحلیل نقش نرخ بهره پولی در بحران های نظام سرمایه داری: رویکرد اسلامی، فصلنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۴: ۷۷-۱۰۴.
۲۵. همتی، مریم (۱۳۹۰)، ابزارهای سیاست پولی مبتنی بر نرخ بهره در مقایسه با ابزارهای سیاست پولی غیر ربوی، تازه های اقتصاد، شماره ۱۳۲، سال نهم: ۷۵-۷۰.

1- Creutz, Helmut (2009), The Money Syndrome

